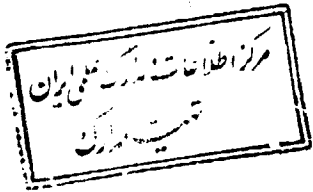




۳۴۰۵۹



۱۳۷۹ / ۹ / ۲۰



دانشگاه شهید بهشتی گرگان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

بخش علوم اجتماعی

011246

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

**بررسی جایگاه انسان در نظریات اریک فروم
(و اشاره‌ای به منتقدان او)**

دانشجو:

مژگان ثروتی

استاد راهنما:

دکتر محمود غفوری

استاد مشاور:

دکتر عبدالحمید کرباسی

شهریور ۱۳۷۸

۳۴۰۵۹

بسمه تعالی

این پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد

به

بخش علوم اجتماعی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

امضاء

نام و نام خانوادگی

دانشجو:

مژگان ثروتی

استاد راهنما:

دکتر محمود غفوری

استاد مشاور:

دکتر عبدالحمید کرباسی

داور ۱:

دکتر محمد تقی ایمان

داور ۲:

امید عسی احمدی

داور ۳:

نماینده تحصیلات تکمیلی دکتر ناصح زاده



دانشگاه شهید باهنر
کرمان
اداره تحصیلات تکمیلی

حق چاپ محفوظ و مخصوص به مولف

(ج)

تقدیم به:

آزاد اندیشان

تشکر و قدردانی:

از بزرگوار استاد راهنمایم جناب دکتر محمود غفوری و گرامی استاد مشاورم دکتر

عبدالحمید کرباسی که مرا در این رساله یاری نمودند، سپاسگزارم.

از اساتید محترم دکتر ایمانی و دکتر علی احمدی که زحمت داوری این رساله را قبول

نمودند، کمال تشکر را دارم.

همچنین، از دوستان و یاورانی چون خانم شهناز جمعه‌زاده، آقای مسعود زهابی و

خانم نرگس نعیمی تشکر می‌کنم.

و از خانواده‌ام که صبورانه مرا در این مدت تحمل نمودند، مخلصانه سپاسگزارم.

با آرزوی توفیق روزافزون برای این عزیزان

«یکی از تراژدیهای انسان این است
که هرگز رشد «خود» او کامل نمی شود،
حتی در بهترین شرایط نیز فقط قسمتی
از نیروهای بالقوه او متجلی می شوند،
انسان همیشه قبل از اینکه تولد کامل
یابد، می میرد».

(انسان برای خویشتن، ص ۱۰۹)

«ظاهراً در هر جامعه‌ای، آدمی شیوه
زندگی و طرز فکر خویش را که محصول
فرهنگ اوست به درجه مطلق بالا می‌برد
و حاضر است بمیرد اما زیربار تغییر نرود
زیرا تغییر در نظرش مساوی با مرگ
است. بدین سان می‌بینیم تاریخ،
گورستان فرهنگهای بزرگی است که از
ابراز واکنش سنجیده و معقول و اختیاری
در برابر مسائل عاجز بوده‌اند و به این
سبب به عاقبتی فاجعه‌آمیز گرفتار
شده‌اند.»

(آیا انسان پیروز خواهد شد، ص ۱۶)

چکیده

تحقیق حاضر بدنبال شناخت انسان در آراء اریک فروم (یکی از منتقدین دنیای معاصر) است لذا این تحقیق مطابق آراء متفکر شامل سه بخش : ۱ - شناخت انسان، نیازها و ویژگیهای منحصر به فرد او ۲ - چگونگی ارتباط فرد با اجتماع ۳ - شناخت موقعیت انسان در جامعه معاصر همراه با شناخت مفاهیم اساسی مورد نظر او می باشد. در واقع موضوعات فوق، موضوعات اساسی است که برای شکل گیری یک نظریه (تئوری) بکار می آید. این تحقیق با مراجعه به منابع اولیه یعنی کلیه آثار ترجمه شده مؤلف انجام شده است. روش توصیفی است ولی با دیدی کاملاً ژرفانگرانه، به این معنا که این تحقیق به تأثیر و تأثر متقابل انسان با مفاهیم مورد نظر فروم نظر داشته لذا سعی بر آن بوده که این روابط در قالب مدل‌های توصیفی و گاه تبیینی (برای فهم بهتر) ارائه شوند.

در آخر به انتقادات منتقدین اسلامی او از جمله مرحوم مهندس مهدی بازرگان - شهریار زرشناس و ... پرداختیم. ولی آنچه در این تحقیق مهم به نظر می رسد این است که بدون داشتن یک تعریف دقیق از انسان و شناخت نیازها و سیر تکامل او قادر نخواهیم بود که در برنامه های کلان خود از جمله برنامه ریزی های اجتماعی، اقتصادی، ... خود موفق باشیم. به اعتقاد فروم ساختار اقتصادی و اجتماعی بحران زده غرب نتیجه همین عدم شناخت از انسان و نیازهای او می باشد که در ضدیت با طبع آدمی در حال توسعه و گسترش است. در آخر با توجه به روش شناسی اریک فروم نتیجه گرفتیم که برای شناخت یک نظام اجتماعی ابتدا باید انسان متعلق به آن نظام را با خود نظام پیوسته ساخت، تا از این طریق بتوان به عوامل مؤثر در ساختار اقتصادی اجتماعی بر روی انسان پی برد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات	
۱	مقدمه
۵	طرح مسأله (اهمیت و ابعاد موضوع و هدف تحقیق)
۱۰	روش تحقیق
۱۰	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات
۱۱	مدل توصیفی مفاهیم اساسی مورد نظر اریک فروم پیرامون انسان
فصل دوم: مبانی فکری اریک فروم	
۱۳	اومانسیم
۱۸	مارکس
۲۰	فروید
۲۳	مکتب فرانکفورت
۲۴	اسپینوزا
فصل سوم: انسان	
۲۶	انسان
۳۰	تکوین انسان در مراحل تاریخی
۳۳	دوگانگی وجودی انسان
۳۵	نیاز و انسان

عنوان	صفحه
نیازهای وجودی انسان (طبع آدمی).....	۳۸
نهاد (جوهر) آدمی.....	۴۵

فصل چهارم: رابطه فرد و اجتماع

رابطه فرد و اجتماع.....	۵۰
مکانیسم تأثیر و تأثیر متقابل فرد و اجتماع.....	۵۲
منش اجتماعی.....	۵۵
منش اجتماعی بارور و نابارور.....	۶۰
شورهای ریشه یافته در منش.....	۶۲

فصل پنجم: مفاهیم اساسی مورد نظر فروم

انسان و از خود بیگانگی.....	۷۱
عشق ورزی.....	۸۵
داشتن یا بودن.....	۹۰
انسان و دین.....	۹۶
انسان و آزادی.....	۱۰۴
انسان و خودانگیختگی.....	۱۱۶

فصل ششم: راهکارهای مورد نظر فروم برای رفع بحران تمدن معاصر غرب

راهکار.....	۱۲۱
تحول اقتصادی، سیاسی.....	۱۲۲

صفحه	عنوان
۱۲۷	تحول فرهنگی، اجتماعی
فصل هفتم: انتقادات	
۱۳۴	انتقادات
فصل هشتم: نتیجه گیری	
۱۵۳	نتیجه گیری
۱۵۶	فهرست منابع

فصل لوّل

كليات

- مقدمه
- طرح مسأله
- روش تحقيق
- تكنيك جمع آوری اطلاعات
- مدل توصيفی مفاهيم اساسی مورد نظر اریک
- فروم پیرامون انسان

مقدمه

بسیاری از سیستمهای فکری و فلسفی (از رنسانس تا عصر حاضر) مدعی هدایت انسان به سوی تکامل بوده‌اند. بنابراین در نظام فکری خود بحثهای مفصلی پیرامون «بایدها و نبایدهایی» داشته‌اند، که به موجب آن می‌توانند انسان را از این وضعیت جدیدی (از خودبیگانگی) که دچار آن است رها کنند. ولی در عمل موفقیتی نداشته‌اند. شاید بتوان گفت علت اساسی عدم موفقیت تلاشهای ایدئولوژیک معاصر در جهت رهایی نوع انسان از وضعیت جدیدی که به آن دچار شده است، بی‌توجهی و یا نداشتن تعریف دقیق و واقعی از موضوع این تلاش، یعنی انسان (ذات و حقیقت وجودی او) است. لذا شناخت انسان به عنوان یک امر ضروری مطرح می‌شود. نمی‌توان از رهایی، خوشبختی و کمال انسان سخن گفت بدون اینکه فلسفه انسان‌شناسی روشنی داشته باشیم. هر قدر این تعریف از جوهر و ذات واقعی انسان دورتر باشد، دریافتن راه حل واقعی ناتوان‌تر خواهیم بود. در واقع شاید ایدئولوژیهای معاصر، به همین دلیل (یعنی عدم شناخت انسان و نیازهای واقعی او) انسان را به پوچی سوق داده‌اند.

نیاز به کمال و دوری از نقص و حقارت جزء نیازهای ذاتی انسان است، اما در روزگاری که بسر می‌بریم، بر اثر از خودبیگانگی، نه تنها انسان اصالت خود را از دست داده است و دچار سرگردانی و پریشانی شده، بلکه به یک انسان تک‌بعدی تبدیل شده است.

دانشمندان بسیاری با هدف رهایی و رستگاری نوع انسان و یا لاقبل دادن نوعی «احساس خوشبخت بودن، به وی، به مطالعاتی در جهت شناخت انسان و مسایل و مشکلات انسان امروز، و اینکه چگونه باید زندگی کند، و یا یافتن راه حلی برای آزاد ساختن نیروهای عظیم درون انسان پرداخته‌اند.

اریک فروم یکی از برجسته‌ترین و معروفترین نویسندگان و اندیشمندان معاصر تمدن غربی است، که در جهت اهداف فوق آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشته است. نظریات

او در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی مورد توجه و تأمل بسیار است. او نویسنده‌ای ماتریالیست و یک روان‌کاوا اجتماعی و نظریه‌پرداز اومانیست است. او تمدن معاصر غرب را تمدنی بسیار بیمار و بحران زده می‌داند. او معتقد است که این بحران امری ذاتی نبوده بلکه عارضه‌ای است و با تکیه بر مبانی فلسفی و اخلاقی اومانیستی می‌توان تعادل و سلامت را به آن برگرداند.

اریک فروم، ۲۳ مارس ۱۹۰۰ در فرانکفورت بدنیا آمد. او تنها فرزند یک خانواده یهودی بود. خودکشی یک زن هنرمند و زیبا که دوست خانوادگی آنها بود او را به سوی روان‌کاوی کشاند. آشنایی او با آثار سایر متفکران از جمله مارکس، اسپینوزا، ... او را به تحقیق در مورد انگیزه رفتاری انسان با دیدی کاملاً اجتماعی سوق داد.

فروم دکترای خود را از دانشگاه هایدلبرگ گرفت و به تحصیلات خود در مونیخ و فرانکفورت ادامه داد. هجوم نازیها به فرهنگ آلمان در سال ۱۹۳۴ او را روانه آمریکا ساخت و وقایع جنگ جهانی دوم بر افکار او تأثیر بسزایی گذاشت. در سال ۱۹۴۲ بود که نخستین کتاب او بنام «گریز از آزادی»^{*} منتشر شد. او در این کتاب به یکی از تضادهای اساسی زمان اشاره می‌کند. به اعتقاد او مغز انسانی به قرن بیستم رسیده، ولی عواطف و احساسات او مربوط به عصر حجر است. در واقع انسان در کلام فقط از رهبران روحانی چون بودا، سقراط و پیامبرانی چون مسیح و محمد نام می‌برد. ولی در عمل با وسوسه‌های غیر عقلانی به تخریب، کینه، غبطه و انتقام با جهان خارج و انسانهای دیگر برخورد می‌کند و تا زمانی که شکاف بین رشد زیاده از حد فنون و علم و عقب افتادگی احساس و عواطف وجود دارد، بشر از کابوس تخریب و فساد نجات نخواهد یافت.

اریک فروم گرایش شدیدی به انترناسیونالیسم و زندگی اشتراکی ملتها داشت و برای

* Escape from freedom

صلح جهانی تلاش زیادی کرد و یکی از بنیانگذاران سازمان اصلی صلح آمریکا (SANE) بوده است. این مؤسسه علیه مسابقه تسلیحات هسته‌ای فعال بود و اعتراضات گسترده‌ای بر علیه جنگ ویتنام براه انداخت.

جهان‌بینی اریک فروم را می‌توان یک جهان‌بینی اومانستی و بشردوستانه نامید. فیلسوفان و دانشمندانی از جمله افلاطون، ارسطو، اپیکور، اسپینوزا، اسپینسر، کانت، نیچه، ستسیرنر و بالاخره مارکس، فروید و دیوئی بر جهان‌بینی او تأثیر داشته‌اند اما او سعی کرده است که خود را پایبند مکتبی خاص نکند و تنها به آن قسمت‌هایی توجه کرده است که مسیر اصلی تفکر اومانستی را تشکیل می‌داده است. فروم در یکی از آثار خود از تعالیم یهودیت و بودیسم نیز به عنوان مریبان فکری خود نام می‌برد. اما در این میان می‌توان گفت که مارکس (مارکس جوان) و زیگموند فروید جایگاه ویژه‌ای دارند. از طرفی، فروم تحت تأثیر مکتب فرانکفورت بود ولی بعدها از این مکتب جداگشت و به یک جهان‌بینی مستقل روی آورد. اما تا آخر عمر هیچگاه از نفوذ مبانی و اصول آن بدور نبود. فروم از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۵ یعنی تا زمان بازنشسته شدن در دانشگاه مکزیک به تدریس مشغول بود و عنوان دکترای افتخاری آن دانشگاه را نیز قبول کرد.

یکی از خصوصیات برجسته فروم غیرسنتی و غیرتقلیدی بودن اندیشه‌های اوست. او کاملاً از افکار جزمی و متحجر بیزار بود. نظریات فروم در خصوص بحران گسترده و همه‌جانبه تمدن معاصر در محافل تخصصی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و حتی در بین دولتمردان سیاسی بسیار مورد توجه است و سهم او در توضیح معنای ایدئولوژیکی تمدن معاصر غربی و بخصوص بحرانهای گسترده و همه‌جانبه آن بی‌شک بسیار زیاد بوده است. به اعتقادی از میان متفکران سیاسی و اجتماعی اخیر، او اولین محققی بود که روانشناسی و طبیعت انسان را وارد ایدئولوژیهای سیاسی نموده است.

به نظر فروم عصر حاضر علیرغم پیشرفتهای شگرفش، با خودنگرانیها، تنهایی و